

نمایشگاه کتاب

روز پنجم

■ نمایشگاه کتاب تهران این روزها میزبان هنرمندان، نویسندگان و بالاترین مقامات اجرایی کشور است

«**مهرجویی» در قطره**

ایسن روزها خبر درباره دربارۀ مهرجویی بسیار زیاد است. او که همزمان در تدارک اکران آخرین اثرش «لرنجی پوش» است یکی دیگر از کارگردانان مشهور است که به نمایشگاه کتاب می‌آید. قرار است سه‌شنبه ساعت ۱۵ تا ۱۸ در غرفه نشر قطره حاضر باشد و مانند دیگر مخاطبان با دومین رمانش روبه‌رو شود. شهرام اقبال‌زاده در این زمینه به «شرق» می‌گوید: «ما فرصت نکردیم کتاب را برای خودشان ارسال کنیم». دومین رمان مهرجویی با نام «تا خرابات مغان» را نشر قطره پس از مدت‌ها انتظار در ارشاد منتشر کرده است. همچنین چاپ دیگری از اثر داستانی این هنرمند بـا عنوان «ماجرای یک فیلم بلند لعنتی» در این نشر عرضه می‌شود.

«**سینایی» در امروز**

خسرو سینایی ۱۹ اردیبهشت در نمایشگاه کتاب حاضر می‌شود تا به بهانه جدیدترین دفتر شعرش دیداری با مخاطبان آثارش داشته باشد. او به غرفه انتشارات امروء می‌رود که به متناژگی دفتر شعر «ترانه شایرک‌های سفید» او را منتشر کرده است تا کنایش را برای خریداران امضا کند.

از «**امرابی» تا «مهرادی»**

نشر قطره این روزها میزبان نویسندگان کودک و نوجوان است به این‌گونه که «پروین علی‌پور» و «معصومه انصاریان» امروز در ساعت ۱۳ تا ۱۶ در این غرفه با مخاطبان گفت‌وگو می‌کنند. همچنین نورالدین زرین کلک و شهلا انتظاریان نیز روز چهارشنبه ساعت ۱۵ تا ۱۸ در این غرفه حضور دارند. همچنین پنجشنبه اسدالله امرابی و علی عبداللهی از ساعت ۱۵ تا ۱۸ در این غرفه حضور دارند. روز جمعه هم تورا میرهادی و نوش‌آفرین انصاریان از ساعت ۱۰ تا ۱۳ به نشر قطره می‌آیند.

نویسندگان در چشمه

کنفروشی انتشارات چشمه این روزها ضمن اینکه کتاب‌هایش را با تخفیف به فروش می‌رساند، دیدارهایی با اهالی فرهنگ و مخاطبان آثار تدارک دیده است.

در بین آثار ارایه شده کتاب‌هایی چون «ببرتیغ» نوشته حسین سنایپور، «حرفه‌ها» سروده گروس عبدالملیکان، «فقایک یک لدفک» نوشته هاینریش بل با ترجمه محمد اسماعیل‌زاده، «بونولی‌ها» نوشته‌های سورن‌تالیستی لوییس بونول، نوشته لوییس بونول با ترجمه شیوا مقاللو، «عامه‌پسند» نوشته چارلز بوکفسکی با ترجمه پیمان خاکسار، «جبرجیرک» نوشته احمد غلامی، «یوسف‌آباد، خیابان سی‌وسوم» نوشته سینا دادخواه با استقبال روبه‌رو شده‌اند. همچنین کتاب‌های «نگران نباش» نوشته مهسا محب‌علی، «هیچ‌کس مثل تو مال اینجا نیست» نوشته میراندا جولای با ترجمه فرزانه سالمی، «باشگاه مشت‌زنی» نوشته چاک پالاتیک با ترجمه پیمان خاکسار، «روز خرگوش» نوشته بلقیس سلیمانی، «زیارت‌نامه مرغ‌سحر و همخوانی دختران درخدا»م» جدیدترین دفتر شعر سیدعلی صالحی و «غرامت مضاعف» نوشته جیمزام. کین با ترجمه بهرنگ رجبی در فهرست پرفروش‌های این روزهای چشمه قرار گرفته است. همچنین پیمان خاکسار روز سه‌شنبه نوزدهم اردیبهشت از ساعت ۱۶ کتاب‌هایش را در کنفروشی چشمه برای علاقه‌مندان امضا می‌کند.

قطعی کارت بانک

پیگیری خبرنگار مهر از ناشران بخش کودک و نوجوان حاکی از آن است که پایانه‌های فروش در ساعت‌های منمادی از روز قطع است و خریداران کتاب را در غرفه‌های کودک و نوجوان با مشکل مواجه کرده است.

در سه روز نخست نمایشگاه امسال، بسیاری از ناشران حاضر در بخش کودک‌ و نوجوان با مشکل ارایه نشدن پایانه‌های فروش از سوی بانک صادرات مواجه بودند که پیگیری آنها از مسوولان ایسن بانک تنها با این پاسخ مواجه می‌شد که امسال دانشگاه‌های تازه وارد کشور نشده و بیش از تعداد اراده شده ظرفیت نداریم. همچنین باوجود وعده مسوولان وزارت ارشاد در مورد دادن ارز به ناشران خارجی با نرخ مصوب بانک مرکزی، با گذشت چهارروز از نمایشگاه، صرافی‌های بانک عامل (صادرات) هنوز در صلی مستقر نشده‌اند و ارز مربوطه در اختیار ناشران خارجی قرار نگرفته است.

قیمت بالای کتاب

مدیر انتشارات آبی، بعد از گذشت روزهای ابتدایی نمایشگاه بیست و پنجم کتاب و ارزیابی میزان بازدیدها و بازدهی‌های بازدیدکنندگان، بر این باور است که قیمت بالای کتاب‌ها که نشأت گرفته از افزایش قیمت کاغذ در اواخر سال اخیر و اوایل سال جاری بوده است، تاثیرات منفی بر میزان مراجعه و خرید کتاب از سوی مردم گذاشته است. محمدحسن طباطبایی به ایلنا گفت: کاغذی که زمانی یک بند ۹۰ در ۴۰ آن (البته با سوبسید) با پنج‌هزار تومان دراختیار ما بود، امروز با قیمتی بالای ۵۰ هزار تومان قابل خرید برای ناشران است. در شرایط امروزی، انتشار کتاب برای ناشران کار بسیار دشواری است و در حد یک ریسک بزرگ به شمار می‌آید. وی تاکید کرد: «باید بدبیریم که این روزها، حوزه نشر حال و روز خوبی ندارد.»



سیروس الوند کارگردان

آشنایی من با ایرج قادری به سال ۱۳۵۰ برمی‌گشت. او فیلمی به‌نام «لبطه» ساخته بود که نسبت به فیلم‌های آن زمان بسیار خوش ساخت و بدون حاشیه بود و فیلم سالمی هم به نظر می‌رسد. من از او خواستم که با او مصاحبه کنم و او هم قبول کرد البته انتقاداتی هم به کارش داشتم و مطرح کردم و ایرج قادری بسیار رفتار خوبی داشت و بعد از مدتی من را با سعید مطلبی آشنا

کسی باورش نمی‌شد مردی که سابقه ساخت ۴۱ فیلم و بازی در ۷۲فیلم و حضور بیش از چهار دهه در سینمای ایران را داشته باشد، به یکباره و در کمتر از چندساعت و در بی خبری به خاک سپرده شود. «ایرج قادری» در حالی که در نیمه شب یکشنبه هنوز بود رفتن او تایید شده بود، در ساعت صبح دیروز به خاک سپرده شد. از رفتن او با تترهایی همچون «مرد سینمای تجاری»، «کارگردان فیلم‌های گیشه‌ای» یاد کردند اما عده‌ای فراموش کردند که بسیاری از کسانی که دغدغه سینمای غیرتجاری دارند به سینمای داستان‌گوی او احترام می‌گذاشتند. شاید برای همین هم مرگ ایرج قادری بعد از یک دوره بیماری و چندین روز کما برای کسانی که سینما را جدا از هر تعریفی دوست دارند و نسلی از مخاطبان که با فیلم‌های او بزرگ شده بودند، سینما را شناخته بودند و مخاطب عام سینما بودند، ناگوار بود و شاید می‌خواستند همان‌گونه که سایر هنرمندان محبوب‌شان را به خاک بپسارند در آخرین وداع با کارگردانی که با «هی خواهم زنده بمانم» به سینما بازگشت، شرکت کنند اما او در مراسمی کوچک در بی‌خبری در «بی‌بی‌سکینه» در کرج به خاک سپرده شد درحالی که مردی احتمالا از دوستدارانش بر خاکش عکس‌های قدیمی او را گذاشته بود.

چربی‌خبری؟

اولین خبر از درگذشت ایرج قادری در بیمارستان «مهراد» تهران حدود ساعت ۱۲ نیمه شب روز ۱۷ اردیبهشت روی خروجی یکی از سایت‌های سینمایی و میان‌پيام‌های اینترنتی و تلفن همراه منتشر شد و در کمتر از نیم ساعت دست به دست گشت. اما بلافاصله گفته شد بیمارستان مهراد این خبر را تایید نمی‌کند. به دنبال این خبر، تکذیب این اتفاق به نقل‌قول «تهمینه‌اطمینان‌مقدم» همسر او منتشر شد. برخی از سینماگران هم این خبر را تکذیب کردند. «تهمینه میلانی» یکی از کارگردانی‌ی بود که گفته شد با همسر قادری تماس گرفته و او گفته است که دارفانی را وداع نکرده است. حدود ساعت ۲ نیمه شب نیز یادداشتی به نقل‌قول از «رخشان بنی‌اعتماد» منتشر شد که با اشاره به اخبار ضد و نقیض درگذشت ایرج قادری نوشته بود: «کارگردان قدیمی سینما هنوز در قید حیات است و در کما به سر می‌برد» جالب آنکه خبری که تکذیب این خبر بود در «خبر آن‌لاین» تا نیمه روز یکشنبه برپیننده‌ترین خبر این سایت در بخش هنری بود. «سعید مطلبی» نخستین کسی بود که این خبر را در گفت‌وگو با مهر، تایید و اعلام کرد: «خانواده این مرحوم تصمیم ندارند مراسم رسمی خاصی برای خاکسپاری وی بر گزار کنند به همین دلیل امروز پیکر این هنرمند در آرامگاه «بی‌بی‌سکینه» واقع در شهر کرج به خاک سپرده می‌شود».

«حیدری» مدیر فیلمبرداری آثار ایرج قادری بعد از برگزاری مراسم، به فارس گفت: «متأسفانه همسر ایرج قادری بافشاری و اصرار داشتند که هرچه سریع‌تر پیکر او دفن شود. شب گذشته تا ساعت دو نیمه‌شب مطلع بودم که ایرج قادری زنده است اما متأسفانه ساعت چهار بلمداد درگذشت و به خواست همسرش به سرعت کارهای وی انجام شد و در یکی از امامزاده‌های کرج دفن شد. بهتر این بود که تشییع جنازه در شأن

جشن تولد «حمید سمندریان» و بزرگداشت «جعفر والی»

شبی پر از گلایه

کیمیا امینیان:

«براهیم حقیقی» در میان نگاتی‌هایش عکسی از جوانی‌های حمید سمندریان پیدا کرد؛ عکس مربوط به جشن تولد استاد سال‌ها دورمانده از صحنه تئاتر دهه‌های با منتهای عشق بود، دهه‌های از خانه تئاتر در میانه جشن بازیگران خله تئاتر و انتخاب بهترین‌های تئاتر در سالی که گذشت. در میان موسیقی آغازین جشن نیمه بازیگر بود که «سعدی افشار» آمد. «بهزاد فراهانی» رییس انجمن بازیگران او را به سالن راهنمایی کرد تا سیاسیاب بدلسلیقه تئاتر روی یکی از صندلی‌های سالن انتظار در کنار «پهم» و «گردآفرید مفید» بنشیند. دقایقی بعد حمید سمندریان و «هما روستا» آمدند. یک نقاشی از پرتره سمندریان، دیگر هدیه او بود. نقاشی را پسر یکی از

اعضای گروه تانسر «کوچ»- بهزاد فراهانی - کشیده بود، جوانی به نام طلال‌ار این نقاشی را از روی عکسی کشیده بود که انجمن

عکاسان در اختیارش گذاشته بودند

و بهزاد فراهانی‌کی گفت: «وقتی

حمید سمندریان هست، یعنی

تئاتر هست»-

همیشگی سمندریان کی گفت: «افتخار داشتم در کنار آقای سمندریان هم خودم رشد کنم و هم گذشت و عشق به تئاتر را بیاموزم.»سمندریان که در چندماه اخیر کمتر در مجامع حاضر شده حالا به برنامه‌های مختلف می‌رود. در میان تشویق حضاران روی صحنه‌ای رفت که چند سالی است از او دریغ می‌شود، تمام تالار اصلی به احترامش به‌پا خاسته بودند، مثل همیشه سخانش از روی امیدواری و خوش‌بینی به آینده بود- سخنانی که شاید امیدوارانه‌ترین گفته‌های برنامه شب بازیگر بود. تئاتری‌ها در یکی، دو سال اخیر جشن‌های خانه تئاتر را بهانه‌ای می‌دانند برای بیان معضلات و مشکلات، شب بازیگر هم از این قافله مستثنی نبود. در این برنامه چندین و چند بیانیه خوانده شد، بیانیه‌هایی به قلم «محمود دولتاآبادی»، در کنار پیام‌رزم جهانی تئاتر، که «کبر زنجان‌پور» آن را خواند. بیانیه دیگری که «کاظم

کرد و وارد دنیای فیلمنامه‌نویسی شدم. در واقع ورودم در عرصه سینما را مدیون او هستم، الان که شنیدم او را بی‌سروصدا دفن کردند بسیار رنجیده و مبهوتم و دلم می‌خواهد بدانم خانواده‌اش برای چه این تصمیم را گرفتند

من آخرین بار، قادری را در استودیو و در جشنواره دو سال پیش دیدم. روحیه بسیار خوبی داشت و سعی در

...و او رفت

ایشان صورت می‌گرفت. متأسفانه در تشییع جنازه وی کمتر از ۴۰ نفر حضور داشتند که به عقیده من درست نیست.»اینکه چرا همسر این هنرمند، تنها کسی که در تمام این سال‌ها در کنار قادری حضور داشت و تمام تلاش خود را برای سلامتی وی انجام داده بود نتوانست یک روز برای دفن او صبر کند، مشخص نیست. هرچند که تهمینه‌اطمینان مقدم، با انتقاد از مسوولانی که ادعا کرده‌اند هزینه‌های درمان ایرج قادری را هرچقدر هم که باشد پرداخت می‌کنند، گفت: «اتقدر پس‌انداز داریم که نیازمند کمک کسی نباشیم. آنهایی که ادعای کمک به ایرج قادری را دارند، اگر می‌خواستند زودتر از اینها و در طی این چهار سالی که ایرج با سرطان دست و پنجه نرم می‌کند، به ما کمک می‌کردند.»

هنرمندان از ایرج قادری گفتند

به دنبال انتشار خبر تایید رسمی درگذشت ایرج قادری مانند هر هنرمندی، خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری به دنبال نظرات همکاران و دوستان سال‌های دور و نزدیک رفتند. جالب اینکه حتی «مسعود دمکنی» برای فارس نوشت: قادری اولین کسی بود که به او برای ساختن فیلم تبریک گفت و در گشاده‌دستی دیرنهام رییس شورای صنفی نمایش ضمن ابراز تأسف از درگذشت ایرج قادری بازیگر و کارگردان، بیان کرد: «در حال حاضر مرحوم ایرج قادری، فیلم سینمایی به نام «شبکه» را دارند که پس از چند سال هنوز فرصت اکران پیدا نکرده است.»

«سیدضیاء هاشمی» ادامه داد: «شورای صنفی نمایش به دلیل احترام به شخصیت مرحوم قادری و همچنین تکریم جایگاه ایشان، به بخش‌کننده فیلم سینمایی «شبکه» پیشنهاد داده با کمک این شورا، فیلم را از چهارشنبه این هفته ۲۳اردیبهشت در سینماهای کشور به نمایش درآورد. ما در شورای صنفی نمایش هم آماده همکاری هستیم تا این فیلم در مدت زمان اندک باقی‌مانده بتواند با چند سینما برای اکران، قرارداد امضا کند.»اما دوستان و همکارانش نیز از او گفتند. «جمشید مشایخی» در «دادا» و «چمنشان سیاه» با او همراه بود و معتقد است: «ایرج قادری همیشه دلش می‌خواست کارهای خوبی بسازد و سلیقه مخاطب را هم به‌خوبی می‌شناخت. فیلم «دادا» را بسیار دوست دارم و معتقدم نقش استثنایی در آن دارم و قادری که در این فیلم، هم بازی می‌کرد و هم کارگردانی، نقش ویژه‌ای در شکل‌گیری نقشم داشت. به نظر من او در کارگردانی موفق‌تر از بازیگری بود و در فیلم‌هایی که خودش کارگردان بود، نقش پشت دوربینش پررنگ‌تر از مقابل دوربین بود.»

«فاطمه گودرزی» که در فیلم «هی خواهم زنده بمانم»، نخستین فیلم او بعد از ۲۰سال سکوت در سینمای ایران بازی کرد، با ابراز تأسف از تشییع بدون پرزنامه، او به خبرنگارآن گفت: «مرحوم ایرج قادری شایستگی داشت در یک مراسم ویژه به خاک سپرده شود. بعد از مدتی این خواست آقای قادری باشد. بالاخره هر هنرمندی که مردم به او علاقه دارند، دوست دارد همان مردم در خاکسپاری‌اش حضور داشته باشند. من واقعا از دفن آقای قادری به این صورت، متعجب هستم. فکر می‌کنم حتما باید مراسمی در شان ایشان برگزار می‌شد.»

گزارش تصویری



جشن تولد «حمید سمندریان» و بزرگداشت «جعفر والی»

شبی پر از گلایه

هژیر آزاد» به نمایندگی از هیات‌مدیره انجمن آن را خواند و البته هیات‌داران امسال ترجیح دادند به جای خواندن بیانیه نکاتی را بگویند. و «بهرام شاه‌محمدلو» که به نمایندگی از هیات‌داران نهایی بیانیه‌شان را خواند: «سال ۹۰ سالی پر از تنش و همراه با ناامنی شغلی برای بازیگران توصیف شده بود همچنین اعلام شد، بازیگران سال‌هاست که خواسته‌های خود را به شیوه‌های گوناگون مطرح کرده‌اند اما ژرف‌ترین خواسته‌ها هنوز عملی نشده است.»شمع جشن امسال را «بهتر زمانپور» روشن کرد، هنرمندی که به گفته فراهانی بنیایی‌اش را در راه تئاتر از دست داده بود با کمک نوازش و با همراهی بهزاد فراهانی روی صحنه آمد. «محبوبه بیات» که جایزه دوم بازیگری را دریافت کرد، از مشکلات بازیگرانی گفت که شرایط

ملکت اجازه رشد به آنها نمی‌دهد. او وضعیت بازیگران ایرانی را با مریل استرپ مقایسه کرد و گفت: ما هر روز قلق‌تر می‌شویم، آلزایمر می‌گیریم. بیات البته این شبیه‌دواری را نادرست توصیف کرد و گفت: با این شبیه‌نوی توان نفر اول

و دوم مشخص کرد چون داوری پنج نفر نمی‌تواند درست باشد. در کنار او «علی‌رضا کی‌منش» برای متلاخک جایزه دوم مرد را گرفت. «ملکه رنجبر» هم که جایزه ویژه هیات‌داران را به جعفر والی اهدا کرد از روزهایی گفت که تئاتر تنگ بودو بازیگران زن ننگ جامعه از دردهایی گفت که اگر یکی را بگوید همه زار زار گریه می‌کنند. اما جایزه اول بازیگری زن به رویا افشار برای بازی در نمایش «زمستان ۶۶» و بازیگری مرد به «صابر ابر» برای بازی در نمایش «جیره‌بندی بر خروس»... اهدا شد. «صابر ابر» هم در سخنان کوتاهی گفت: این تندیس برابم خیلی ارزشمند است، به چند دلیل مهم یکی اینکه امشب روی صحنه‌ای آمدم که استادم هدایت هاشمی روی همان صحنه جایزه گرفت. «هدایت هاشمی» برای افشاره ببر همراه «لایلا آدینه» برای خرده خاتم جایزه سوم بازیگری را گرفتند.

ادب‌و‌هنر

مبهوت دفن بی سرو صدا

به‌تمام رساندن فیلمش داشت. او که می‌دانست سرطان بر او غلبه کرده با روحیه قوی از آینده صحبت می‌کرد و شاید همین باعث شد که دو سال بعد از آن نیز سر پا بماند. به هر حال قادری کارگردانی بود که راهش را مشخص کرده بود و می‌دانست چه فیلمی می‌خواهد بسازد و هیچ ادعایی هم در سینمای روشنفکری نداشت. قادری فیلم را برای تماشاگر می‌ساخت و از این نظر

فیلم‌هایش بن‌مایه‌ای قوی و مردم‌پسند داشتند و همیشه مخاطب را راضی نگه می‌داشت و در ژانر خودش جزو افراد حرفه‌ای محسوب می‌شد. در فیلم، ایرج قادری وجه دیگری از کارگردانان حرفه‌ای و بدون حاشیه را برای من پدیدار کرد. او می‌دانست که باید به بازیگر احترام گذاشت و همچنین در بیان مواضع و خواسته‌های خود از بازیگر به شدت رک و صریح بود و به‌گونه‌ای رفتار می‌کرد که بازیگر بتواند احساس او را در کد کند. قادری کارگردانی کاملا حرفه‌ای بود. او می‌دانست ارتباط خوب با بازیگر یکی از نکات کلیدی تبدیل شدن فیلم به یک درام منحصر به فرد است.



عکس: میلاد پیاپی، شرق

ایرج قادری در یک نگاه

زندگینامه این کارگردان قدیمی سینمای ایران این روزها لایه لای همه خبرها می‌گردد پس تکراری است که بگوییم متولد ۱۳۱۴ در تهران بودو تحصیلاتش را در رشته پزشکی نیمه تمام گذاشت و به سینما پیوست و کار صحنه و بازیگری و فیلمنامه نویسی تهیه‌کنندگی و کارگردانی و... کار. تکراری است بگوییم قادری در ۴۱ فیلم کارگردان، ۴ فیلم نویسنده، ۷۲ فیلم بازیگر، ۹ فیلم تهیه‌کننده و یک فیلم تدوین گر بود. آخرین فیلم او «شبکه»(۱۳۸۹) بود. حتی تکراری است که بگوییم خیلی از بازیگران سینما و سوپرستارهای سینما با او و در کنار او سینما را آغاز کردند مثل «محمدرضا گلزار» شاید غیرتکراری‌ترین خاطراتی که بگوییم این است که آخرین باری که با ایرج قادری تماس گرفتیم بعد از درگذشت «ناصر حجازی» و ویژه‌نامه درگذشت او بود که ایرج قادری گفت: با اینکه فوتلار را دوست دارم اما بیمارم و نمی‌تولم، رفتن او را با بی‌اختیار یاد «حمیده خیرآبادی» و تشییع جنازه بی‌سرو صدای او می‌اندازد. شاید پایان این گزارش این‌گونه باید تمام شود. ایرج قادری رفت و بخشی از تاریخ سینمای ایران را چه دوست داشته باشیم چه نه، با خودش در سکوت برد.

نشست «علیزاده» با اهالی موسیقی اهواز

عادت کرده‌ایم، مرتب ناراضی باشیم

خودمان، برای ما حس دیگری دارد. علیزاده ادامه داد: البته ما به علت مشکلات تاریخی‌ای که داشتیم، برآرامن عادت شده که مرتب ناراضی باشیم. چیزی که می‌تواند کشور عزیزمان را بسازد این است که ما از شخص خودمان شروع کنیم. من بعد از ۴۰سال فعالیت حس می‌کنم باید خیلی چیزها بهتر برآیم فراهم شود، اما اگر نشد باید خودمان تلاش کنیم مثل همین سفرها. حسین علیزاده در پاسخ به این سوال که اکثر جامعه هنر در ایران سه تدریس گرایش دارند، چه کنیم که به سمت اجرا حرکت کنیم و رابطه اجرایی با مردم داشته باشیم و شاید لازم باشد به‌جای گروه‌نوازی به تکنوازی روی بیابوریم، گفت: مساله تدریس از نظر تعلیم و تربیت بسیار مهم است، آموزش یک تخصص است و همان‌گونه که باید به آموزش تخصصی نگاه کنیم، به‌آهنگسازی و تکنوازی هم باید تخصصی نگاه کنیم. اینها از هم جدا نیستند اما کمتر کسی است که بتواند هرسه را با هم داشته باشد. ما نباید محدود به یک‌چور اجرا باشیم و

به‌خاطر ایجاد جذابیت تنها به موسیقی باکلام بسنده کنیم و بلکه باید موسیقی‌سازی را نیز رایزه کنیم. چیزی که در این سری کنسرت‌ها ارزش داشت این بود که با وجود استفاده از موسیقی سازی، این‌طور نبوده که مردم به‌خاطر نبیود خواننده، نینایند. پُرامن حدادی نیز در این نشست با ابراز خوشحالی فراوان از اجرای کنسرت در شهرهای ایران گفت: اجرا در ایران و جایی که ریشه داریم، با اجراهای خارج از کشور خیلی متفاوت است و حس قوی و زیبایی در اینجا داریم. حسین علیزاده و پُرامن حدادی اولین اجرای تورکنسرت آن و آن را شب‌گذشته ساعت ۲۱ در سالن کتابخانه مرکزی شهر اهواز به روی صحنه بردند. این دو هنرمند سه‌شب در اهواز برنامه دارند و پس از آن به بهبهان، دیگر شهر استان خوزستان سفر می‌کنند.

یاد

کم‌لطفی به ایرج قادری

مهناز افشار



■ وقتی دیروز صبح خبر درگذشت «ایرج قادری» را شنیدم و مطلع شدم که او را به خواست خانواده‌اش در سکوت و به دور از هیاهوی خبری دفن کردند، احساس کردم همه این کناره‌گیری و سکوت این خانواده داغدار به‌خاطر کم‌لطفی‌هایی باشد که این روزها در سینمای ما کم نیست و اتفاقا گریبان ایرج قادری را گرفت. در حال حاضر به قدری غمگین و به مهریخته‌ام که نمی‌توانم درست تمام ماجراها و خاطرات را کنار هم بچینم...

آخرین‌باری که با آقای قادری صحبت کردم قبل از عیدبود، طی یک تماس تلفنی با هم گفت‌وگو کردیم و خاطرات همکاری‌هایمان در فیلم‌های «آوارپیوم» و «شبکه» را مرور کردیم. یادم می‌آید برای همکاری با ایرج قادری آقای «سعید مطلبی» با من تماس گرفتند و من بدون درخواست فرستادن فیلمنامه، تنها به‌خاطر حرمت و بزرگی و پیشکسوتی این مرد بزرگ به دفترش رفتم و بازی در «آوارپیوم» را پذیرفتم. بسیار هم از این همکاری‌ها خوشم می‌خوشتم که نام ایرج قادری در کارنامه کاری من وجود دارد. از طرفی اولین حضور او پس از انقلاب در جلوی دوربین در فیلم آوارپیوم و سکاسی مقابل من بود و این ماجرا هرچه بیشتر این فیلم را برای من خاطره‌انگیز می‌کند. عشق به ایرج قادری باعث شد تا در فیلم محاکمه هم حاضر باشم. قادری فردی بسیار محترم و باتکیزه بود و شخصیتی بسیار محبوب و درست داشت، چیزی که در سینمای امروز ما بسیار کمیاب است...

روح‌ت شاد مرد

مرتضی شایسته

■ آخرین‌باری که رفیقم «ایرج» را دیدم چهار، پنج روز پیش بود. در را که باز کردم، دیدم رویه‌رو از خیره نگاه می‌کند. بالای سرش رفتم و گفت، خوبی مرتضی؟ دوست دیگرمان «سعید مطلبی» که آنجا بود، گفت: «ایرج ۲۰ روز است که حرف نمی‌زند و کسی را نمی‌شناسد اما تو را شناخت.» ما هم با هم رفیق بودیم و هم همکار. چشمان سیاه، می‌خواهم زنده بمانم، طوطیا، محاکمه، سام و نرگس، آوارپیوم و... تلاش مشترک ما بود و همه اینها باعث می‌شود که بگویم ایرج را خوب می‌شناختم.

با آن که امید به زندگی او از نظر جسمانی نزدیک به صفر بود اما ایرج در تمام این سال‌ها یکتانه بیماری را جواب کرد. او مردی قوی با اعتمادبه‌نفس بالا و امیدوار بود و از او کارگردانی مردمی، بزرگ و کاربلد می‌ساخت. تا آخرین لحظه که بیماری او را از ا بیندازد، ایرج قادری در حال تکاپو و تلاش برای ساخت فیلم بود و من مطابق قولی که دادم، آخرین فیلم او یعنی «شبکه» را پس از پایان اکران «لرنجی‌پوش» به سینماها خواهم فرستاد. شاید این کد خداحافظی باشکوه از طرف ایرج با مردمی باشد که دوست‌شان داشت و برایشان خلق اثر می‌کرد. ایرج قادری را در سکوت و تنهایی دفن کردند.

این خواست خانواده او بود که ما به آن احترام می‌گذاریم. من این مصیبت را به جامعه هنری ایران تسلیت می‌گویم و به ایرج می‌گویم روح‌ت شاد مرد.

دور ایران

گونه‌شناسی سینما



■ کارگامی با عنوان «گونه‌شناسی سینما» با تدریس «مازبار اسلامی» برگزار می‌شود. در این دوره درسگفتارها قرار است مفهوم ژانر در سینما از منظر تحلیل نحوی – معنایی بررسی شود. در این دوره ابتدا شکل‌گیری مفهوم ژانر در حوزه‌های هنری و ادبی و سابقه این مفهوم در مطالعات ادبی بررسی می‌شود و سپس علت گرایش سینمایی به‌الیپود در دهه ۱۹۳۰ به ژانرهای سینمایی روشن خواهد شد و در نهایت هریک از ژانرهای اصلی سینما از جمله کمدی، ملودرام، فانتزی (علمی – تخیلی، ترسناک)، وسترن، گنگستری و نوار مورد تحلیل جداگانه و دقیق قرار خواهد گرفت. رویکرد نظری که در این دوره درسگفتارها دنبال خواهد شد، رویکردی نحوی– معنایی است و همچنین نقش آیینی و ایدئولوژیک ژانر در بستر تاریخی شکل‌گیری‌اش تبیین و صورت‌بندی خواهد شد. در عین حال واسازی مفهوم ژانر در دوره پست مدرن نیز به عنوان نقطه نهایی و غایی چرخه ژانر در سینما بررسی می‌شود. این دوره از چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۱ برگزار خواهد شد وعلاقه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر درباره جزئیات دوره‌ها به وب‌سایت خانه هنرمندان www.iranartists.org مراجعه کنند یا با تلفن ۸۸۳۱۰۴۶۳ تماس بگیرند.